

عنوان مقاله:

اتحاد عاقل و معقول (بررسی دیدگاه صدرالمتهلین و علامه طباطبایی)

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

ابوب یارمحمدی

خلاصه مقاله:

نظریه اتحاد عاقل و معقول میراث فلاسفه یونان است که وارد حوزه فکری فلسفه و عرفان اسلامی شده و در سیر تاریخی خود موافقان و مخالفانی داشته است. ابنسینا مهمترین مخالف و صدرالمتهلین مهمترین مدافع آن است. نظریه مزبور از توابع مبحث علم به شمارآمده نظریه معرفت شناسی است. ملاصدرا پس از بررسی آراء و اقوال پیشینیان در موضوع علم و نقد و دفع آنها، ضمن اذعان به پیچیدگی مسأله، مدعی است که براهین او کاملترین براهین است. و او غموض و رموز مسأله را گشوده است. ملاصدرا با تأکید بر معقولیت صور ادراکی و نیز للغير و للعاقل بودن این صور، وبا استفاده از برهان تضایف وتحلیل و جود معلول به اثبات اتحاد عاقل و معقول پرداخته است. علامه طباطبایی با پذیرفتن اصل نظریه راهی متفاوت در اثبات آن اتخاذ کرده و به آراء و براهین ملاصدرا خرده گرفته وبرهان تضایف را قاصرازاثبات مدعای ملاصدرا می داند. اواز این نظر که علم یک امروجدی است بااملاصدرا موافق است. اما اتحاد عاقل و معقول نزد اوبه این معناست که نفس سعه وجودی یافته وحقیقتی عقلی می شود وحقایق عقلی را شهود می کنند اینک با آنها متحدشود. ملاصدرا صورت معقوله را هم عقل بالفعل هم عاقل بالفعل و هم معقول بالفعل می داند. اما علامه معتقد است ابتدا علم اشراقی به حقیقت عقلی پیدا می شود و سپس صورت معقوله به گونه ای که علم حصولی متفرع بر علم حضوری است.

کلمات کلیدی:

اتحاد عاقل و معقول، ملاصدرا، طباطبایی، تضایف، صور ادراکی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/547022>

